

علم أصول الفقه

۱۷

۹۴-۲-۲ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ ع

• زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأَئِمَّةِ ع

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• ٣٢١٣ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ «١» قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيُّ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• فَقَالَ إِذَا صَرْتِ إِلَى الْبَابِ فَقِفْ وَاشْهَدِ الشَّهَادَتَيْنِ وَ
 أَنْتَ عَلَيَّ غُسْلٍ فَإِذَا دَخَلْتَ وَرَأَيْتَ الْقَبْرَ فَقِفْ وَ قُلْ
 اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَ عَلَيْكَ
 السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ قَارِبْ بَيْنَ خَطَاكَ ثُمَّ قِفْ وَ كَبِّرِ اللَّهَ
 عَزَّ وَ جَلَّ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ ادْنُ مِنَ الْقَبْرِ وَ كَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعِينَ
 مَرَّةً تَمَامَ مِائَةِ تَكْبِيرَةٍ ثُمَّ قُلْ

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لَجْمِيعِ الْأُمَّةِ ع

(١) المعروف بصاحب الصومعة يكنى أبا عبد الله سكن قم و ليس أصله منها و وثقه النجاشي و قال: إنه ثقة مستقيم، و اعتمد على توثيقه إياه العلامة و يروي عنه محمد بن جعفر بن عون الأسدي المعروف بمحمد بن أبي عبد الله الكوفي و كان ثقة صحيح الحديث إلا أنه يروي عن الضعفاء كما في فهرست النجاشي، و يروي المصنف عنه بواسطة ثلاثة رجال من مشايخه ١- علي بن أحمد بن موسى الدقاق، ٢- محمد بن أحمد السناني و هو ابن أحمد بن محمد بن سينان، ٣- الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المكتب، و هؤلاء الثلاثة من مشايخ الاجازة و لم يذكرهم المصنف في جميع كتبه الا مع الترضية و اعتمد عليهم و كفي باعتماده عليهم مدحا و اجتماعهم لا يقصر عن ثقة فالطريق صحيح أو حسن كالصحيح. و أمّا موسى بن عبد الله النخعي و ان لم يذكره الرجاليون بمدح و لا قدح لكن روايته هذه الزيارة الكاملة التي هي أكمل الزيارات المأثورة عن أهل البيت عليهم السلام تعطينا خبرا بأن الرجل كان من المخلصين لهم و المتفانيين في محبتهم بل صاحب أسرارهم عليهم السلام فالسند حسن كالصحيح و يؤيده اعتماد الصدوق - ره - عليه حيث قال في مقدّمة هذا الكتاب لم أقصد فيه قصد المصنفين في ايراد جميع ما رووه، بل قصدت الى ايراد ما أفتى به و أحكم بصحته و أعتقد فيه أنه حجة فيما بيني و بين ربي - تقدس ذكره و تعالت قدرته - و جميع ما فيه مستخرج من كتب مشهورة عليها المعول و إليها المرجع»، ثم اعلم أن المؤلف روى هذه الزيارة في العيون ص ٣٧٥ عن علي بن أحمد الدقاق و محمد بن أحمد السناني و علي بن عبد الله الوراق و الحسين بن إبراهيم المكتب جميعا عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي و أبي الحسين الأسدي عن محمد بن إسماعيل البرمكي عن موسى بن عمران النخعي و لعل عمران تصحيف عبد الله أو يكون نسبة الى أحد أجداده و العلم عند الله و في التهذيب كما في الفقيه.

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ
 مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ
 خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أُصُولِ الْكِرَامِ وَ قَادَةَ الْأُمَمِ
 وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عُنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ
 الْعِبَادِ وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَ
 سُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عِتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى
وَ ذَوَى النَّهْيِ وَ أَوْلِيَ الْحِجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى « ١ » وَ وَرَثَةِ
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى « ٢ » وَ حُجَجِ
اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتِهِ « ٣ »

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالٌّ مَعْرِفَةُ اللَّهِ وَ مَسَاكِنِ بَرَكَاتِهِ وَ
 مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةَ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ وَ
 أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ
 بَرَكَاتِهِ

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُئِمَّةِ ع

• السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ «٤» وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ «٥» وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

• السَّلَامُ عَلَى الْأُمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ
وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى الْأَمْرِ « ١ » وَبَقِيَّةَ
اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَتِهِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَ
نُورِهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

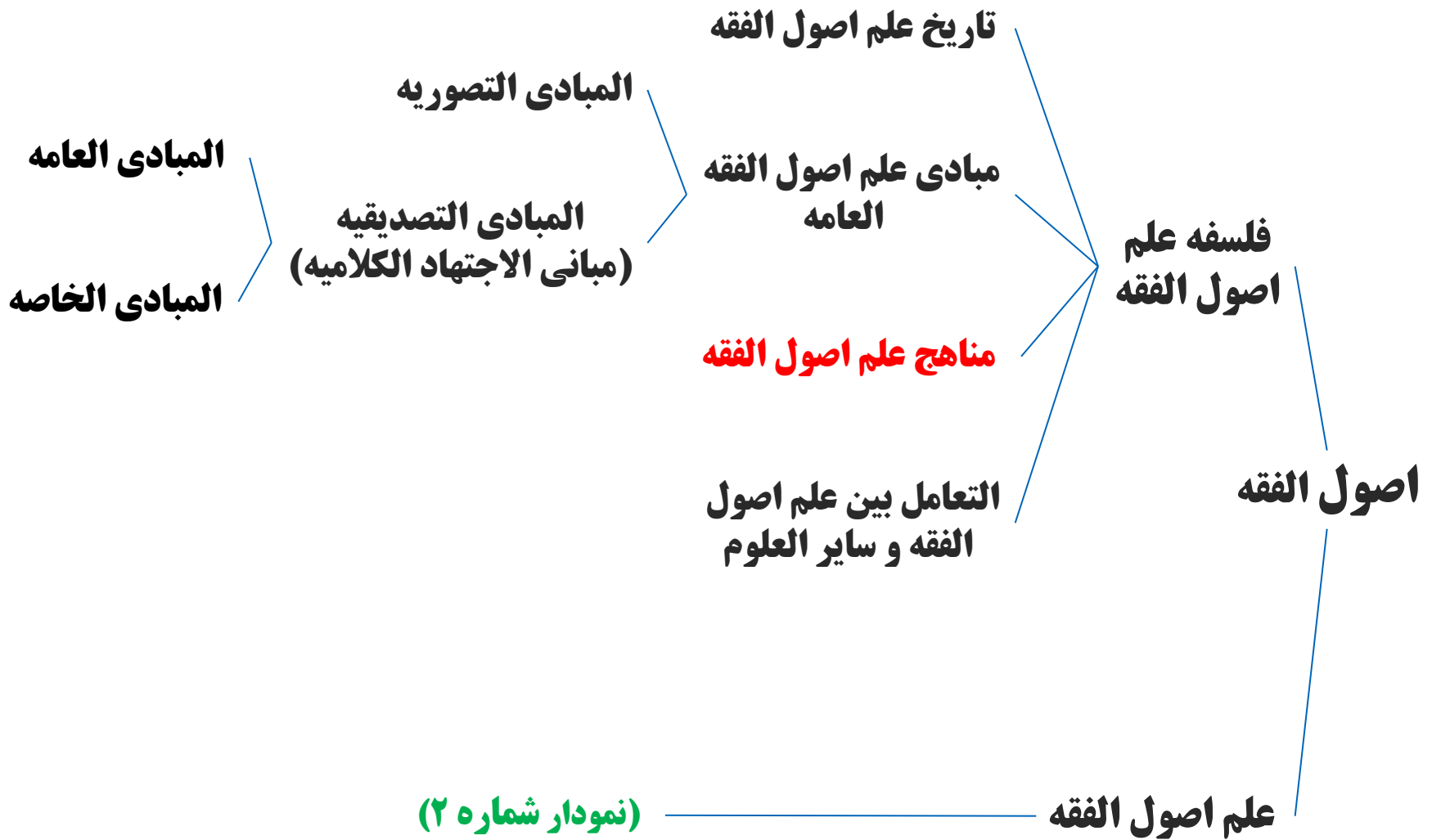
زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

(١) الدجى جمع الدجية: الظلمة أو هي مع غيم، و المعنى انكم الهادون للناس من ظلمة الشرك و الكفر و الضلالة الى نور الايمان و الطاعة. و الاعلام جمع العلم: العلامة و المنار، و النهى جمع النهية و هي العقل لأنها تنهى عن القبائح و ذلك لانهم أولى العقول الكاملة، و الحجى - كالى -:- العقل و الفطنة، و «كهف الورى» أى ملجأ الخلائق فى الدين و الدنيا و الآخرة.

زِيَارَةُ جَامِعَةِ لِجَمِيعِ الْأُمَّةِ ع

- (٢) يمكن أن يكون المراد أنهم حصلوا بدعاء إبراهيم وغيره من الأنبياء عليهم السلام كما قال النبي صلى الله عليه وآله «أنا دعوة أبي إبراهيم عليه السلام».
- (٣) بالرفع عطف علي السلام، ويمكن أن يقرأ - بالكسر - عطفًا على الجمل السابقة أي أنتم رحمته تعالى و بركاته لكنه بعيد.
- (٤) في بعض النسخ «المستوفرين في أمر الله» أي الساعين في الايتمار بأوامره الواجبة و المندوبة مطلقًا، أو في أمر الإمامة، و ما في المتن أظهر. (م ت)
- (٥) أي مراتبها الثلاث من محبة الذات لذاته سبحانه و تعالى و لصفاته الحسنى و لافعاله الكاملة. (م ت)

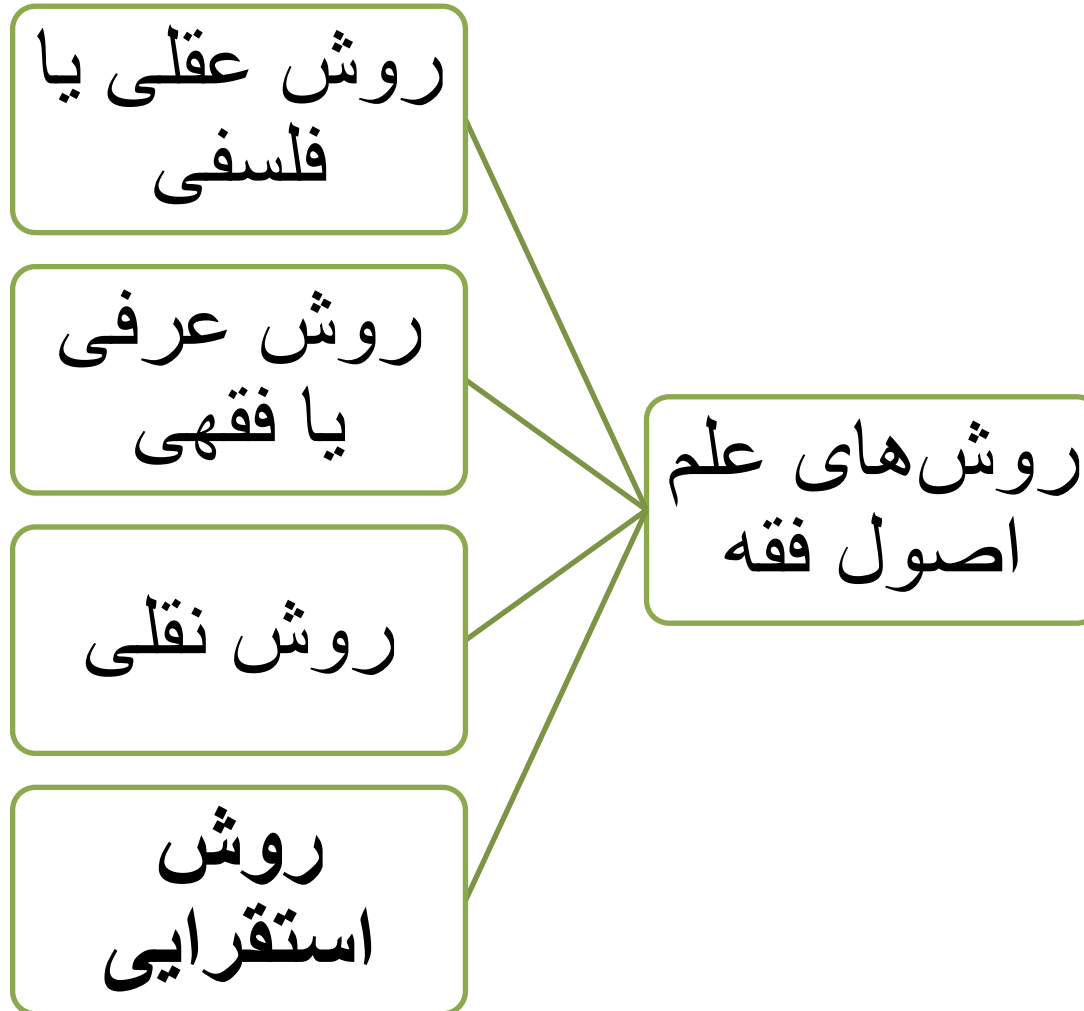
(نمودار شماره ۱)



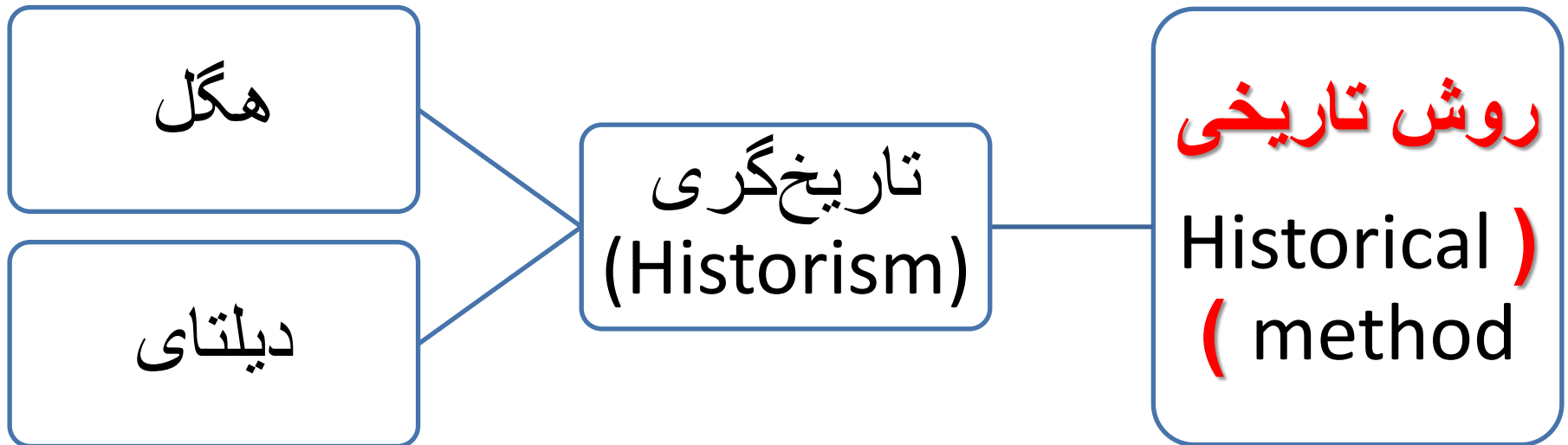
(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



روش تاریخی در فلسفه‌ی علم



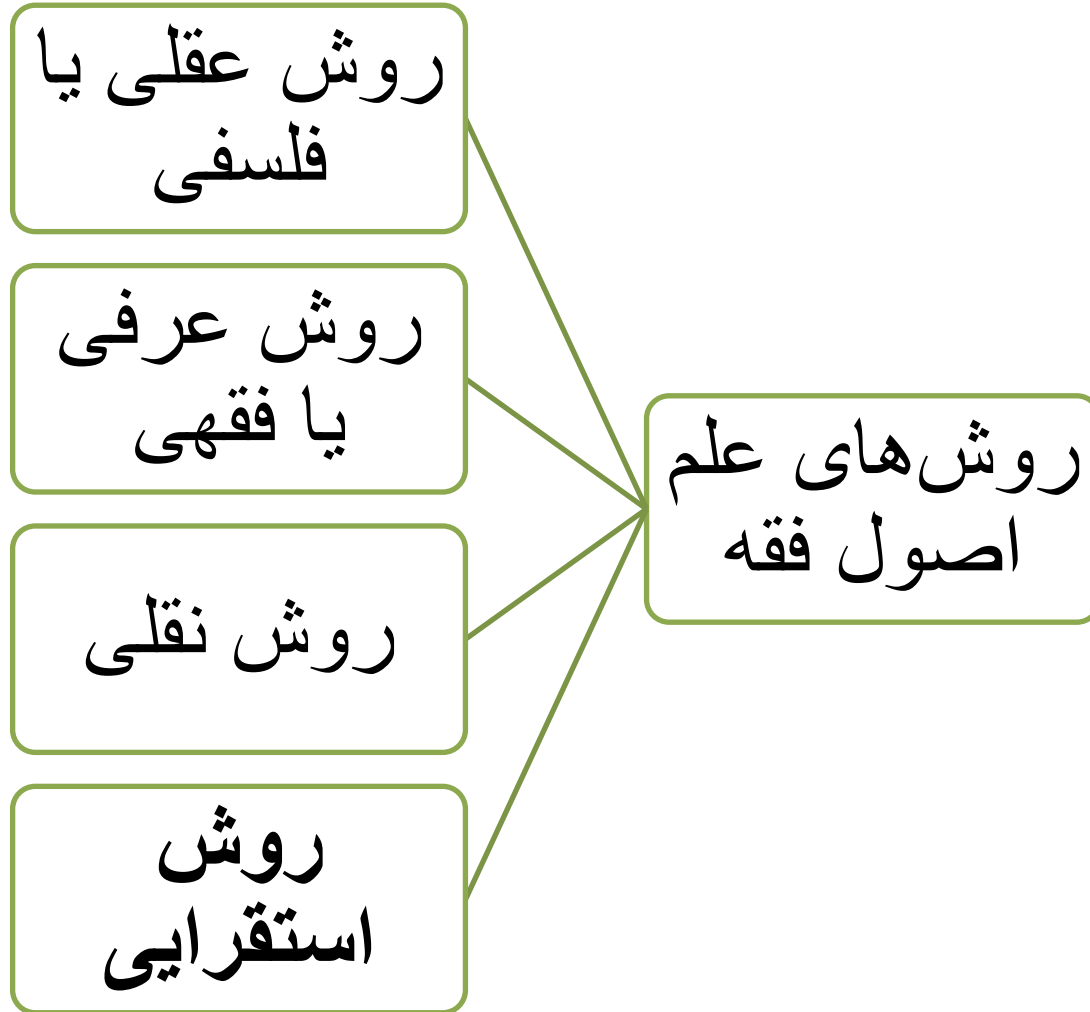
مبانی معرفت شناسانهی روش‌ها



روش
شناسی

معرفت
شناسی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین شهید صدر
- اولاً معارف پیشین عقلی را می پذیرد
- و ثانیاً می پذیرد که بعضی معارف فقط پیشینی هستند
- و تا اینجا با منطق ارسطویی موافق است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در دو نقطه مخالف است:
- ۱. بعضی از معارف مثل نفی صدفه‌ی نسبی که در نظر منطق ارسطویی پیشینی است، در نظر شهید صدر پسینی است.
- ۲. بعضی معارف که منطق ارسطویی پیشینی می‌داند، در نظر شهید صدر هم از طریق علم عقلی و پیشینی و هم از طریق پسینی قابل دستیابی است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر و تجربه گرایان
- شهید صدر قبل از این که به توضیح نظریه‌ی خویش بپردازد، نظریه‌ی دیگری را بیان می‌کند که در بحث‌های معرفت شناسی مطرح است و با منطق ارسطویی مخالفت دارد. این نظریه نظریه‌ی تجربه گرایان است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر می‌گوید: تجربه گرایان با اصل دانش پیشینی مخالفت کردند و گفتند: معارفی که عقل قبل از حس و تجربه به آن دست پیدا کند، اصلاً وجود ندارد، ما هر چه داریم بعد از حس و تجربه است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین در نظر آنان پایگاه معارف بشری و منشأ و ریشه‌ی اصلی آنها، حس و تجربه است. در حالی که بر اساس نگرش منطق ارسطویی پایگاه اصلی معرفت بشری، آن معارف پیشینی است که اگر نباشد، تجربه هم ممکن نیست. در نظر منطق ارسطویی تجربه هم بر همین معارف استوار است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- تجربه گرایان بر خلاف منطق ارسطویی که بر روش عقلی و قیاسی تأکید دارد، بر روش استقرایی تأکید می‌کنند؛ ولی دیدگاه آنها در مورد استقراء و ارزش معرفتی آن یکسان نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

استقراء مفید یقین

استقراء مفید ظن است. این ظن با تکرار تجارب تقویت می‌شود، اما هرگز به یقین تبدیل نمی‌گردد.

تجربه گرایان از نگاه شهید صدر

استقراء نه مفید یقین معرفتی است و نه مفید ظن معرفتی؛ بلکه ما در موارد استقراء در واقع یک حالتی از معرفت را احساس می‌کنیم که به ساختار روانی ما برمی‌گردد. ساخت روانی ما به گونه‌ای است که وقتی چنین اتفاقی افتاد - تکرار مشاهده -، چنین توهمی را می‌سازد - ظن یا یقین - .

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نقد آرای گروه اول از تجربه گرایان
- شهید صدر بعد از نقل دیدگاه تجربه گرایان به نقد آنها می‌پردازد و از آنجا که خودش استقراء را مفید یقین می‌داند، از بین آن سه گروه، بیش از همه با گروه اول موافق است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در چند مورد با آنها مخالف است:
- ۱. شهید صدر در مبانی منطق تجربی با گروه اول مخالف است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبانی منطق تجربی، انکار معارف پیشین عقلی است که شهید صدر آنها را می‌پذیرد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۲. در تفسیر رابطه‌ی علیّ بین اشیاء نیز با گروه اول اختلاف دارد. منطق ارسطویی معتقد است رابطه‌ی علیّ، یک رابطه‌ی ضروری است.
- یک ارتباط واقعی بین علت و معلول است که اقتضا می‌کند هر گاه علت تحقق پیدا کند، معلول نیز به صورت قهری تحقق یابد.
- اما تجربه گرایان به طور کلی علت به این معنا - ضرورت واقعی بین دو پدیده - را نمی‌پذیرند و می‌گویند ما فقط می‌بینیم دو پدیده در پی هم رخ می‌دهند.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این اعتقاد تا قبل از هیوم هم وجود داشت. منتهی تفاوت جان استوارت میل با هیوم در این است که میل معتقد است ما واقعاً یقین پیدا می‌کنیم که در پی حرارت آهن، انبساط آن رخ می‌دهد؛ در حالی که هیوم می‌گوید: این یک یقین به معنای معرفت نیست؛ این طور نیست که در واقع چیزی باشد - ولو تداعی در پی هم آمدن دو پدیده - که ما به آن یقین پیدا کنیم. ما صرفاً یک توهم داریم. ذهن ما چیزی را می‌سازد و ما گمان می‌کنیم علم پیدا کرده‌ایم.

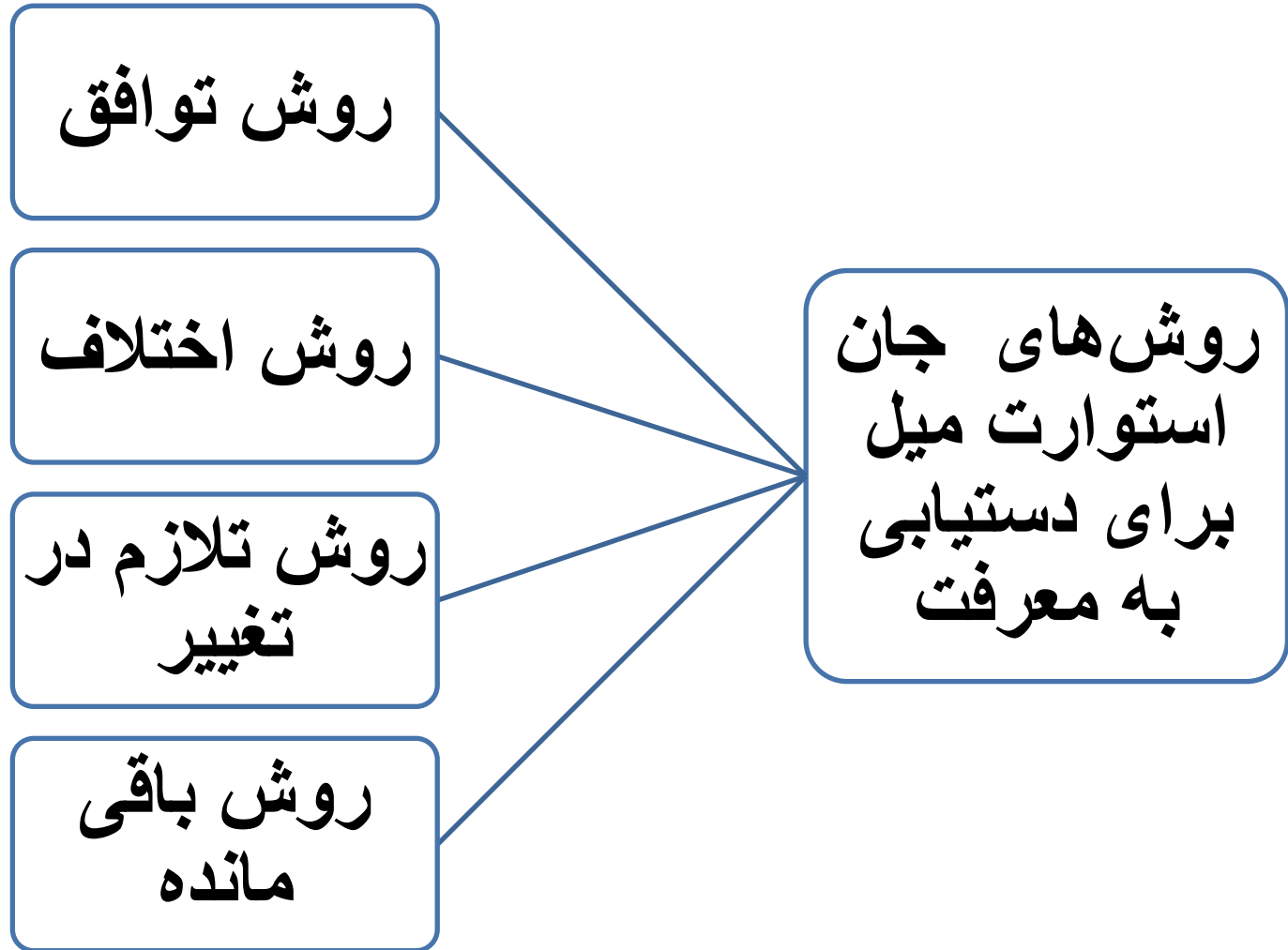
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر همچون منطق ارسطویی معتقد است رابطه‌ی ضروری واقعی بین اشیاء وجود دارد و از آن به مفهوم عقلی سببیت تعبیر می‌کند؛ در مقابل مفهوم تجربی سببیت.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر بعد از این بحث به روش‌های چهارگانه‌ی جان استوارت میل برای دستیابی به یک معرفت می‌پردازد که از مهم‌ترین ابتکارات میل محسوب می‌شود.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۱. روش توافق: اگر پدیده‌ای رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ای از پدیده‌ها باشد و بار دیگر رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ی دیگری از پدیده‌ها باشد و بار سوم رخ دهد و همراه آن مجموعه‌ی سوم از پدیده‌ها باشد و... و در هر بار اموری که همراه پدیده‌ی مذکور هستند، مختلف باشند الاّ یک امر که در تمامی آنها مشترک بوده است، درمی‌یابیم بین این یک امر و آن پدیده، رابطه‌ی علی وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- مثل این که آهنی را روی آتش قرار می‌دهیم و ملاحظه می‌کنیم: داغ می‌شود، سرخ می‌گردد، نورانی می‌شود و منبسط می‌گردد. بار دیگر جریان برقی به آهن متصل می‌کنیم و مشاهده می‌نماییم: برق از آن می‌گذرد، داغ می‌شود و منبسط می‌گردد. در بار سوم آهن را ااره می‌کنیم و متوجه می‌شویم بین اره و آهن اصطکاک پیدا می‌شود، آهن داغ می‌گردد و منبسط می‌شود. بعد از این ملاحظات در یک جمع‌بندی نتیجه می‌گیریم انبساط با گرم شدن همیشه همراه بوده است؛ اما با نورانی شدن، عبور جریان برق و اصطکاک همیشه همراه نبوده است. پس بین حرارت و انبساط رابطه است اما بین عبور جریان برق و انبساط یا بین اصطکاک و انبساط و یا بین نورانی شدن و انبساط این رابطه وجود ندارد.

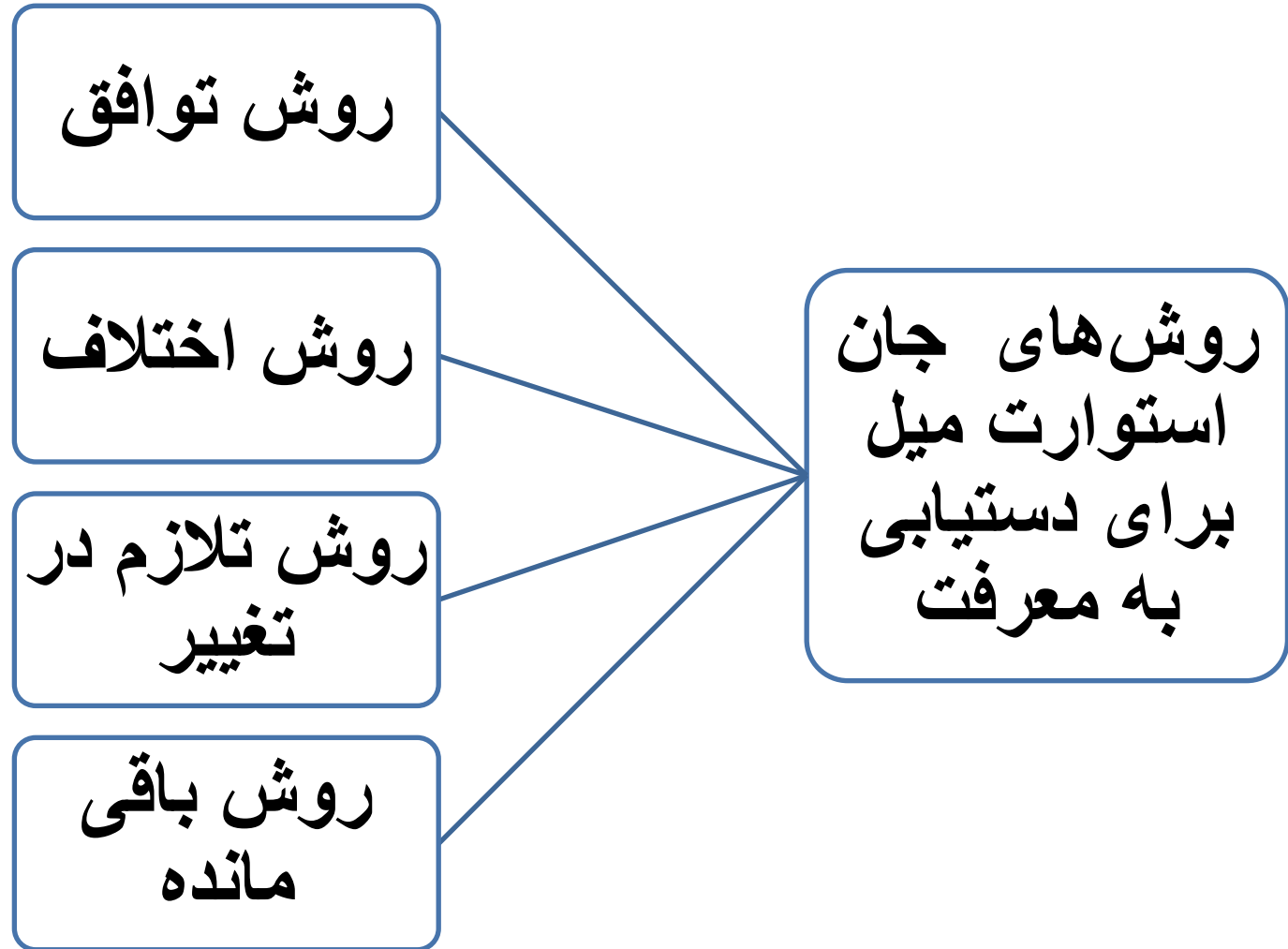
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Direct method of agreement**
- *If two or more instances of the phenomenon under investigation have only one circumstance in common, the circumstance in which alone all the instances agree, is the cause (or effect) of the given phenomenon.*

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C D occur together with **w** x y z
- **A** E F G occur together with **w** t u v
- _____
- Therefore **A** is the cause, or the effect, of **w**.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۲. روش اختلاف: در این روش مجموعه‌ای از پدیده‌ها را متقارن مقارن می‌کنیم و متوجه اثری می‌شویم. سپس یکی از آنها را تغییر می‌دهیم و درمی‌یابیم که اثر منتفی می‌شود. از چنین چیزی نتیجه می‌گیریم که بین آن و اثر ارتباط بوده است.
- به طور مثال آهنی را نورانی و داغ می‌کنیم و اثر انبساط را در آن مشاهده می‌کنیم؛ بدون حرارت انجام می‌دهیم، در این صورت انبساطی را مشاهده نمی‌کنیم. از این که می‌بینیم با حذف حرارت، انبساط هم حذف می‌شود، درمی‌یابیم بین حرارت و انبساط رابطه‌ی علی وجود دارد.

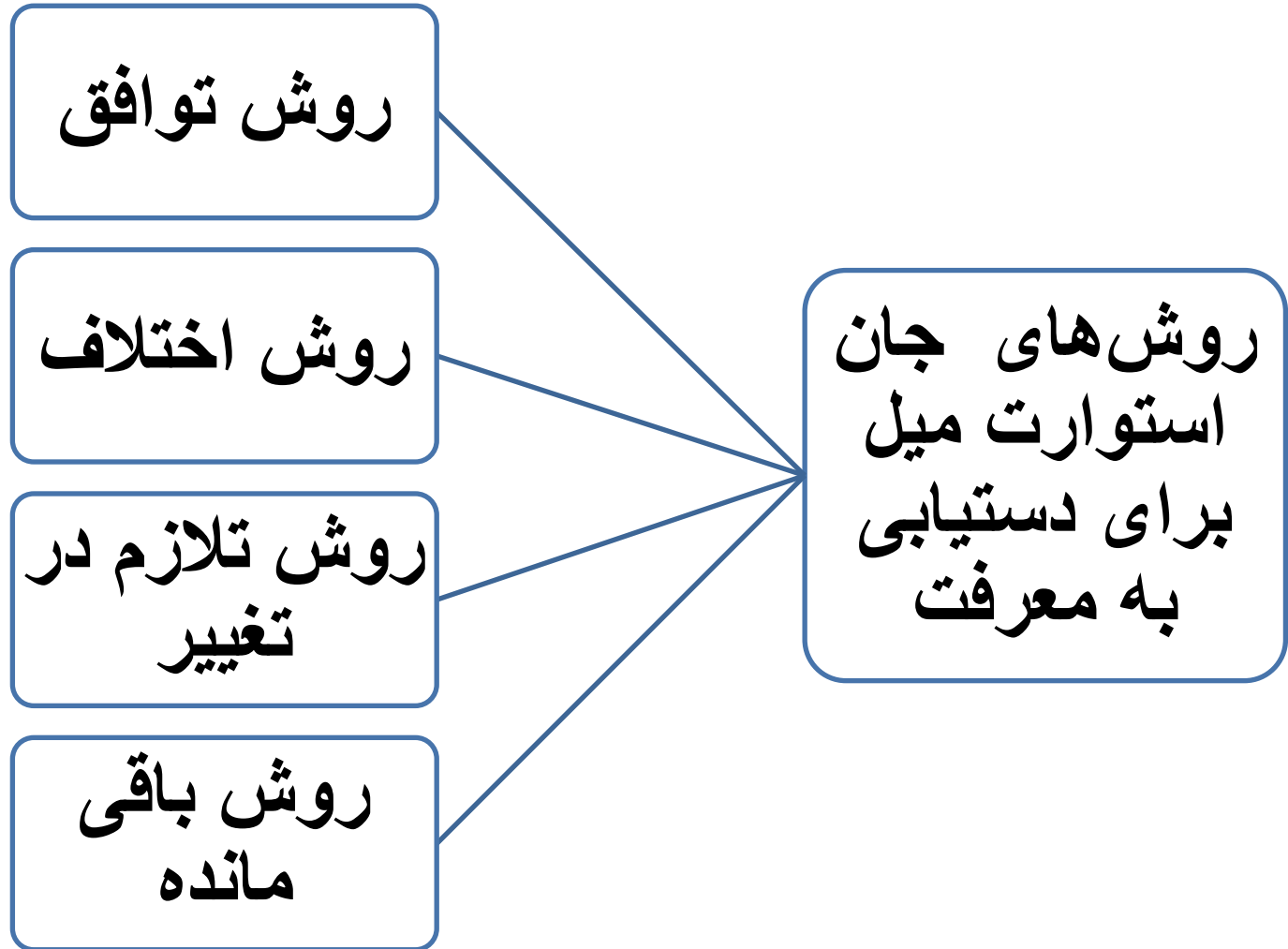
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Method of difference**
- *If an instance in which the phenomenon under investigation occurs, and an instance in which it does not occur, have every circumstance save one in common, that one occurring only in the former; the circumstance in which alone the two instances differ, is the effect, or cause, or a necessary part of the cause, of the phenomenon.*

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C D occur together with **w** x y z
- B C D occur together with x y z
- _____
- Therefore **A** is the cause, or the effect, or a part of the cause of **w**.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۳. روش تلازم در تغییر: وقتی می بینیم دو پدیده طوری با هم ارتباط دارند که وقتی یکی را تغییر می دهیم، دیگری هم تغییر می کند، رابطه‌ی علی را کشف می نماییم.
- فرضاً آهنی را حرارت می دهیم، انبساط را در آن مشاهده می کنیم. بعد می بینیم هر چه حرارت را افزایش می دهیم، انبساط آهن افزایش می یابد و هر چه حرارت را کاهش می دهیم، انبساط آهن نیز کاهش می یابد. وقتی مشاهده می کنیم که این دو با یکدیگر تغییر می کند و تغییراتشان با هم تلازم دارد، پی می بریم بین خودشان ملازمه‌ای هست.

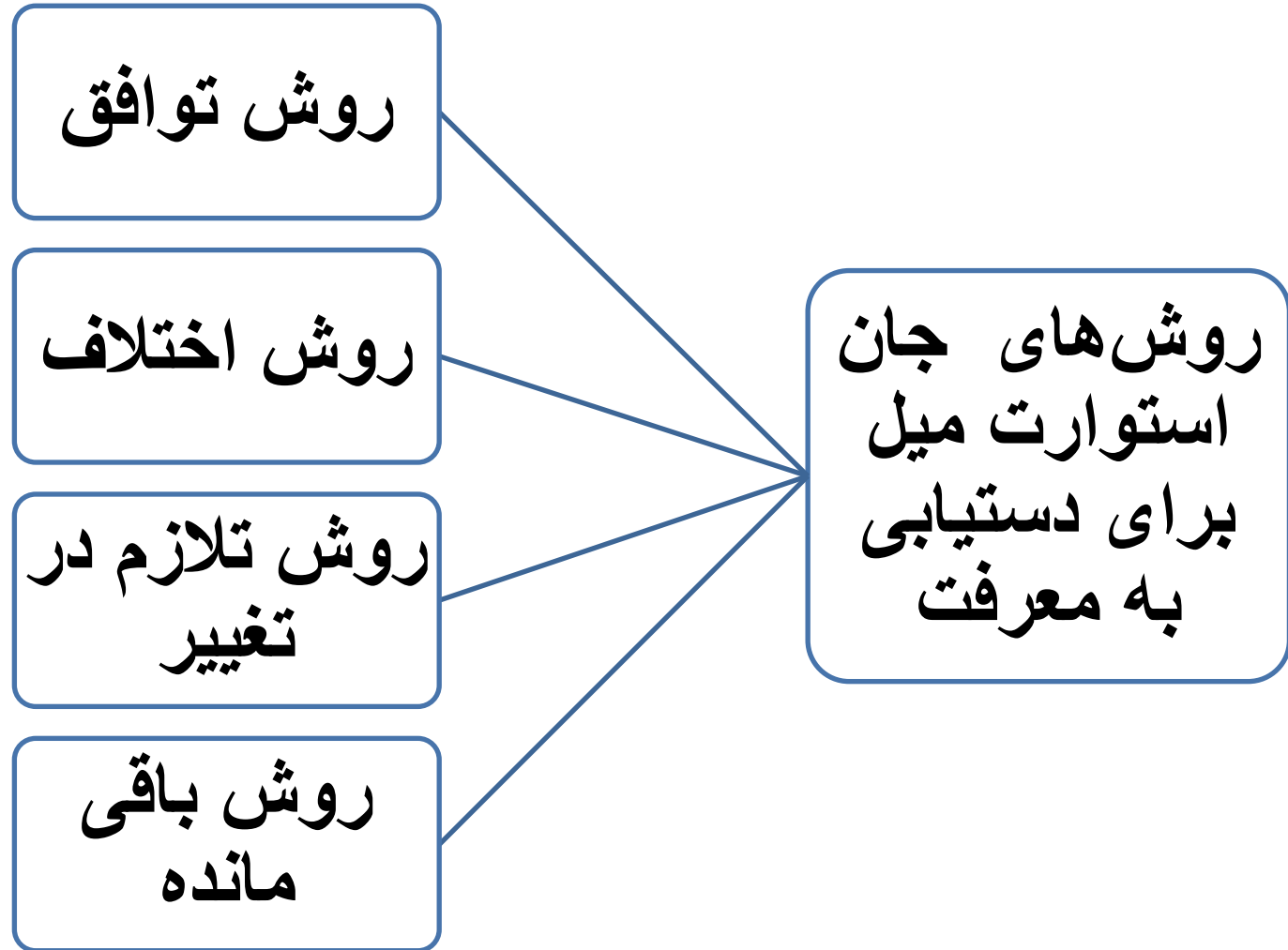
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Method of concomitant variations**
- *Whatever phenomenon varies in any manner whenever another phenomenon varies in some particular manner, is either a cause or an effect of that phenomenon, or is connected with it through some fact of causation.*

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- **A**± B C results in **x**± y z.
- -----
- Therefore **A** and **x** are causally connected

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۴. روش باقی مانده: وقتی همه‌ی اموری را که در یک پدیده هست، می‌توانیم تفسیر کنیم و بعد امری اتفاق می‌افتد که در آنچه مشاهده کرده‌ایم، فقط یکی مانده که می‌تواند تفسیر چنین امری باشد، پی می‌بریم که بین این دو رابطه‌ی علی وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Method of residue**
- *Subduct^[2] from any phenomenon such part as is known by previous inductions to be the effect of certain antecedents, and the residue of the phenomenon is the effect of the remaining antecedents.*

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- B is known to be the cause of y
- C is known to be the cause of z
- -----
- Therefore **A** is the cause or effect of **x**.

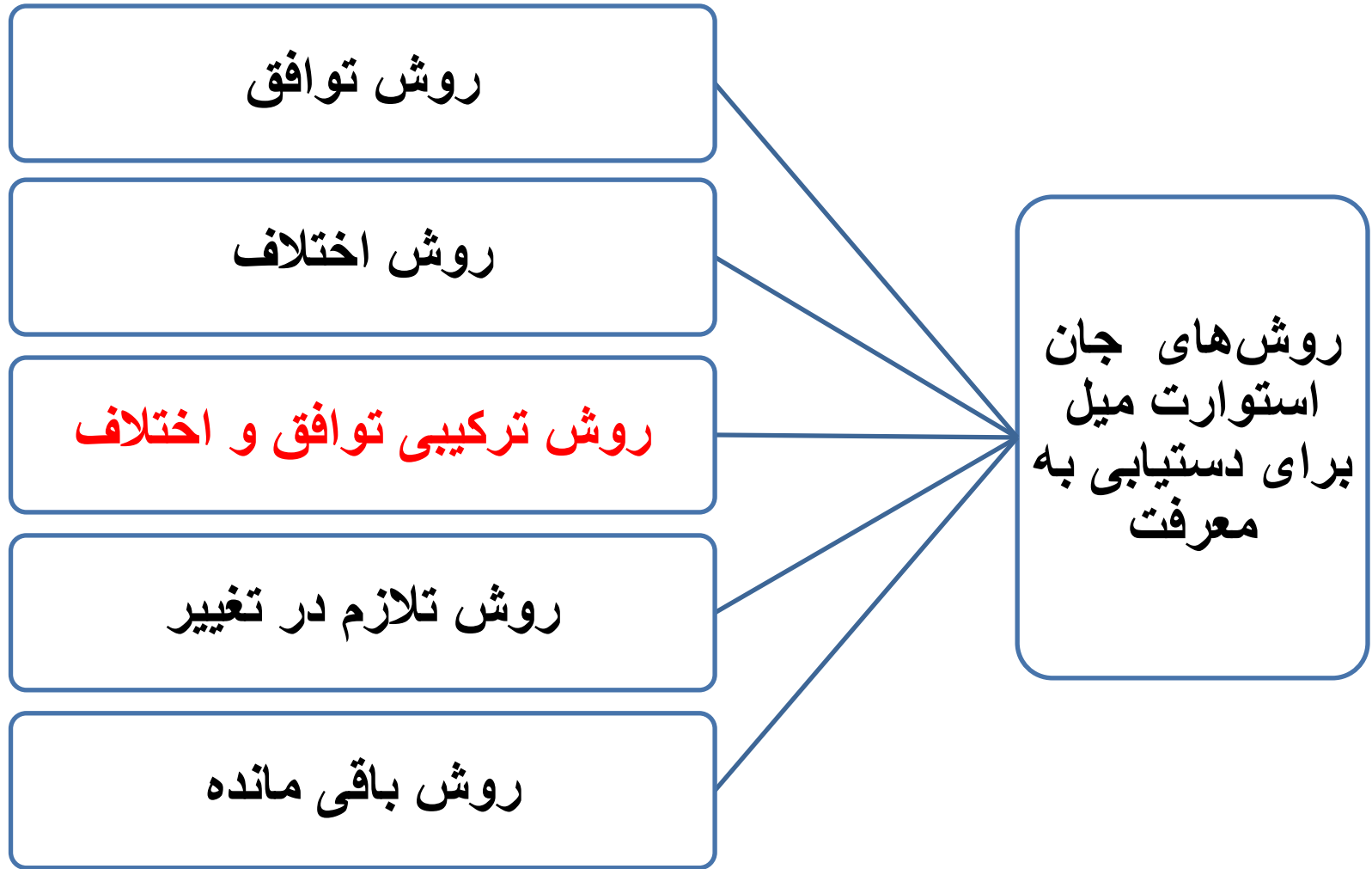
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر برای این مورد مثالی از نجوم می آورد و می گوید:
- سیاره‌ی نپتون با همین روش در منظومه‌ی شمسی کشف شد.
- وقتی دانشمندان بر اساس قوانین جاذبه‌ی عمومی، مدار سیارات شناخته شده را محاسبه می کردند، متوجه شدند مدار واقعی اورانوس که در آن به دور خورشید می گردد، با مدار محاسبه شده تفاوت دارد.
- قانون جاذبه‌ی عمومی یک مدار خاصی برای اورانوس تعیین می کرد که با مشاهده سازگاری نداشت.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در این میان دانشمندی به نام لوفریه بر اساس نظریه‌ی جان استوارت میل گفت:
- ما نمی‌توانیم این انحراف در مسیر اورانوس را توجیه کنیم مگر این که وجود سیاره‌ای دیگر را فرض بگیریم.
- باید فرض کنیم سیاره‌ی دیگری وجود دارد که جاذبه‌ی آن روی اورانوس تأثیر می‌گذارد و باعث تغییر مدار اورانوس می‌شود.
- سال‌ها بعد این سیاره که از طریق محاسبه کشف شده بود، رؤیت شد و معلوم گردید سیاره‌ی دیگری به نام نپتون بین اورانوس و خورشید وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **Joint method of agreement and difference**
- *If two or more instances in which the phenomenon occurs have only one circumstance in common, while two or more instances in which it does not occur have nothing in common save the absence of that circumstance; the circumstance in which alone the two sets of instances differ, is the effect, or cause, or a necessary part of the cause, of the phenomenon.*

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- **A** B C occur together with **x** y z
- **A** D E occur together with **x** v w also B C occur with y z
- _____
- Therefore **A** is the cause, or the effect, or a part of the cause of **x**.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر بعد از توضیح اجمالی این طرق می گوید:
- این روش ها که راه حلی برای نفی صدفهی نسبی است، چیزی جز تقویت احتمالات نیست و بر همان مبنای استقرایی استوار است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اتفاقی که در تمام این روش‌ها می‌افتد، تقویت احتمال علیت یک شیء و تضعیف احتمال علیت شیء دیگر است.
- به طور مثال در طریق توافق مشاهده می‌کنیم حرارت در همه‌ی موارد با انبساط همراه است، اما پدیده‌های دیگر مثل نورانی شدن و جریان برق گاهی و در بعضی موارد با حرارت همراه هستند.
- در این صورت احتمال علیت حرارت برای انبساط، تقویت می‌شود، ولی علیت نورانی شدن آهن یا علیت جریان برق برای انبساط تضعیف می‌گردد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این روش‌ها، روش‌هایی است که تقریباً تا به امروز یعنی از زمان جان استوارت میل تا به الآن (بیش از دو‌یست سال) وجود دارد. البته این روش‌ها پیشرفت کرده‌اند؛ اما اصل ایده‌ی آنها هنوز وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اگرچه این نورانیت با داغ شدن حاصل شده باشد.
- ر.ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقيه للاستقراء، صص ۸۸ - ۷۵.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

استقراء مفید یقین

استقراء مفید ظن است. این ظن با تکرار تجارب تقویت می‌شود، اما هرگز به یقین تبدیل نمی‌گردد.

تجربه گرایان از نگاه شهید صدر

استقراء نه مفید یقین معرفتی است و نه مفید ظن معرفتی؛ بلکه ما در موارد استقراء در واقع یک حالتی از معرفت را احساس می‌کنیم که به ساختار روانی ما برمی‌گردد. ساخت روانی ما به گونه‌ای است که وقتی چنین اتفاقی افتاد - تکرار مشاهده -، چنین توهمی را می‌سازد - ظن یا یقین - .

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

• نقد آرای گروه دوم از تجربه گرایان

- شهید صدر در مورد گروه دوم از تجربه گرایان که استقراء را مفید ظن می دانند، می گوید: کسانی که در این گروه قرار دارند، معتقدند برای این که استقراء بتواند مفید یقین باشد، نیازمند دانش پیشین عقلی است و چون چنین قضایایی وجود ندارد، استقراء مفید یقین نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- به بیان دیگر کسانی که یقین آور بودن استقراء را انکار کردند، این مطلب را پذیرفته‌اند که صرف مشاهده‌ی موارد جزئی برای یقینی بودن نتیجه‌ی استقراء کافی نیست. باید اصول اولیه‌ای وجود داشته باشد که بتوان بر اساس آنها از مشاهده‌ی موارد جزئی، نتیجه‌ی کلی بگیریم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- آن اصول اولیه یا باید از قبیل دانش‌های پیشین عقلی باشد - همان طور که منطق ارسطویی ادعا می‌کند - یا باید از اموری باشد که مبتنی بر استقراء هستند - همان طور که کسانی مثل جان استوارت میل ادعا می‌کند - . این گروه مثل سایر تجربه‌گرایان منکر دانش‌های پیشین عقلی هستند. بنابراین در نظر آنان آن اصول اولیه نمی‌تواند دانش‌های پیشین عقلی باشد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما در مورد احتمال دوم می‌گویند: ما نمی‌توانیم اصول اولیه‌ای را که استقراء نیازمند آنها است تا به کمک آنها یقین آور شود، از طریق خودِ استقراء ثابت کنیم؛ زیرا فرض کردیم که استقراء به تنهایی هرگز مفید یقین نیست و همواره نیازمند یک سری اصول اولیه است، حال چگونه می‌تواند مفید یقین به آن اصول اولیه باشد؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر در مقابل این دیدگاه، اول به طرح این بحث می‌پردازد که آیا واقعاً وجداناً هیچ گاه یقین پیدا نمی‌کنیم و همواره ظن ما در حال تقویت است، بدون این که به مرحله‌ی یقین برسد؟
- آیا اگر فرضاً از دوران کودکی احساس کرده‌ایم که آتش داغ و سوزاننده است و به عضو انسان آسیب می‌رساند و بارها و بارها سوختگی عضوی از بدن را با آتش تجربه کرده‌ایم، باز هم چنین مطلبی برای ما یقینی نشده است؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- توجه کنید اینها می گویند: ما قاعده‌ی کلی نداریم. ما فقط به این ظن داریم که اگر دفعه‌ی دیگر هم دستمان را به آتش نزدیک کنیم، می‌سوزد. این بار که سوخته که سوخت. بحث در دفعه‌ی بعدی است. سر کلی آن بحث است؛ در جزئی شکی نیست. دست ما در دفعه‌ی اول سوخت، در دفعه‌ی دوم سوخت، در دفعه سوم سوخت و... اما از کجا می‌توانیم حکم کنیم که هر دفعه دست را به آتش نزدیک کنیم، می‌سوزد؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- چنین نتیجه گیری کلی ای بر یک سری مصادرات و اصول اولیه مبتنی است. ما باید علیت آتش را برای سوختن و علیت سوختن را برای درد، یعنی اصل علیت و اصل نفی صدفه‌ی نبسی را، بپذیریم تا به چنین نتیجه‌ای برسیم. چگونه این اصول و مصادرات را اثبات می‌کنیم؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اگر بگوییم دانش پیشین عقلی است، تجربه گرایان آن را قبول ندارند و اگر بگوییم استقرایی است، این مشکل پیش می آید که خود استقراء متوقف بر این گونه امور است، چطور خود اینها می توانند امور استقرایی باشند؟ استقراء متوقف بر اینها است تا یقین آور شود. اگر خود اینها متوقف بر استقراء باشند، دور پیش می آید و هیچ وقت نمی توان به یقین رسید.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر می گوید: اگر کسی اصل یقینی بودن استقراء را انکار کند، مثل آن کسی است که اصل واقعیت را انکار می کند و معتقد است: هر چه احساس می کنیم و فکر می کنیم که وجود دارد، همه توهم است؛ نه روزی هست، نه شبی، نه ساختمانی هست نه ماشینی؛ همه ی اینها توهمات است که ذهن ما می سازد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- چنین کسی ممکن است به زبان انکار کند؛ ولی در رفتار شخصی خودش نمی‌تواند به چنین انکاری ملتزم باشد. فرضاً او نمی‌تواند خودش را جلوی ماشین پرت کند به این اعتقاد که وجود ماشین توهم است.
- یا نمی‌تواند از روی بلندی خود را رها کند به این اعتقاد که ارتفاع امری متوهم است.
- یا نمی‌تواند غذا نخورد... او عملاً بر اساس این که این امور واقعیت دارند، زندگی می‌کند و الاً نمی‌تواند اصلاً به زندگی ادامه دهد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین کسی که معتقد است اصلاً استقراء مفید یقین نیست، اعتقادش با منش و رفتاری که از خود نشان می‌دهد، ناسازگار است. بسیاری از آنچه را که او با آنها معامله‌ی یک امر واقعی و محقق می‌کند، مستند به یک سری استقراءات هستند.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر از این نکته نتیجه می‌گیرد که استقراء مفید یقین است و جای هیچ شکی در این اصل نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- نکته‌ی دیگری که شهید صدر در نقد گروه دوم به آن می‌پردازد، توضیح یقین مورد نظر در استقراء است. در نظر شهید صدر یقین در استقراء نه از نوع یقین منطقی است و نه از نوع یقین روان شناختی.
- یقین منطقی آن است که انکارش مستلزم امر محال است؛ یعنی موجب اجتماع دو تقيض یا ارتفاع آنها می‌شود. یقین‌هایی که در موارد دانش‌های پیشین عقلی داریم، از این نوع است. مثلاً فرض عدم صحت «الكل اعظم من الجزء» مستلزم یک امر محال خواهد بود.

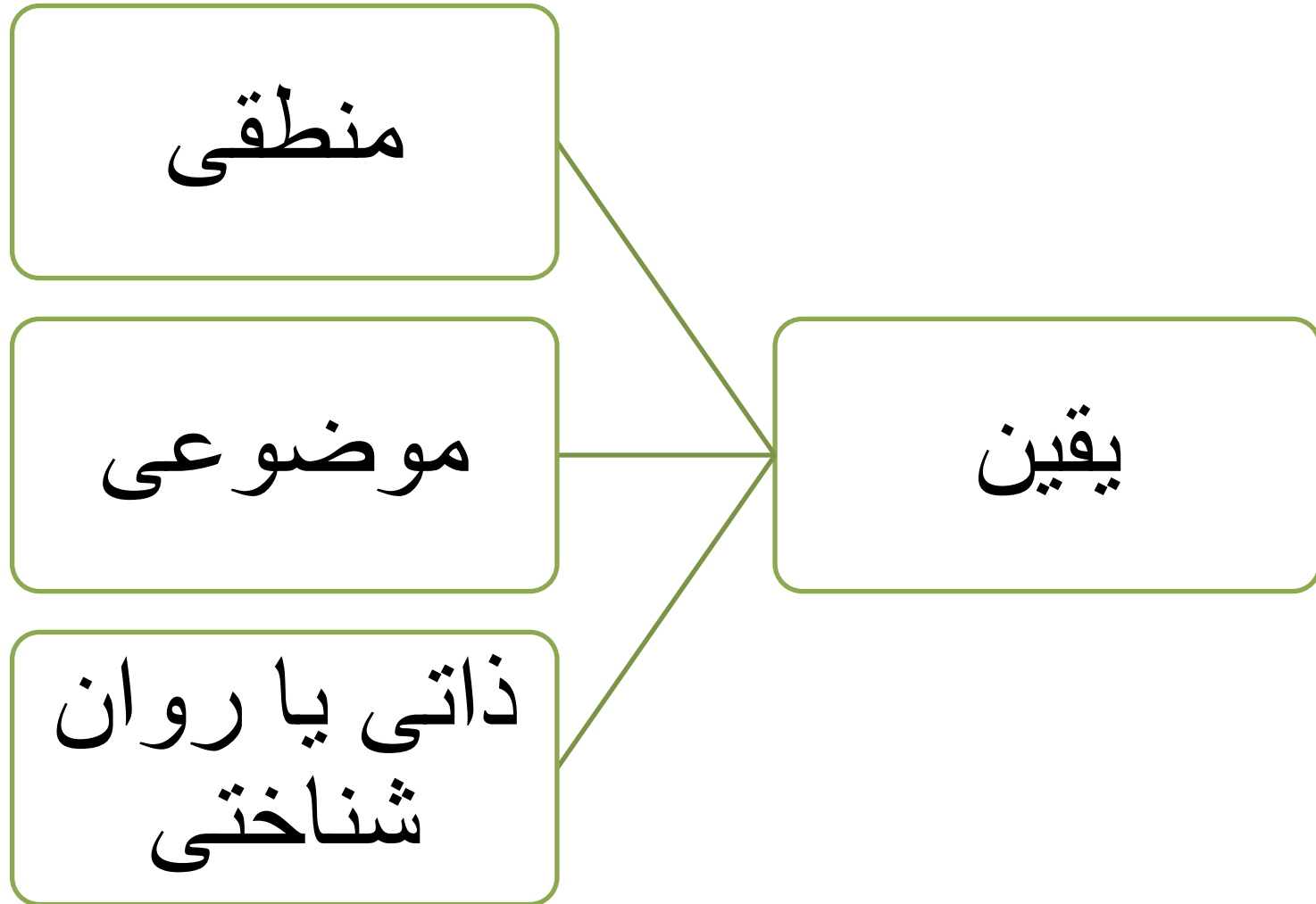
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- یقین روان شناختی یا به تعبیر شهید صدر یقین ذاتی، یقینی است که وابسته به شخص یقین کننده است. یقین و قطع قطاع - یعنی کسی که بدون دلیل و بدون هیچ توجیهی از مقدماتی به یقین می‌رسد که دیگران از آنها یقین پیدا نمی‌کنند - چنین یقینی است.
- یقین حاصل از استقراء نه یقین منطقی است که انکار آن استحالی عقلی داشته باشد و نه یقین روان شناختی است که شخص بدون هیچ گونه توجیهی به یقین برسد. کسی که صدها بار دیده است که آهن بر اثر حرارت منبسط می‌شود، یقین او به انبساط آهن بر اثر حرارت در دفعات آتی، بدون مبرر و توجیه نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- یقین استقرایی یک مبرر و عامل توجیهی دارد، اگرچه این عامل از سنخ برهان و استدلال‌های منطقی موجود در منطق ارسطویی نیست. این یقین، یقین موضوعی و عینی است.
- بنابراین همان طور که قبلاً گفتیم، شهید صدر یقین را به سه قسم تقسیم می‌کند:

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۱. یقین منطقی که مستند به برهان است و انکارش مستلزم محال است.
- ۲. یقین ذاتی یا روان شناختی که هیچ مبرر و موجهی ندارد و یک حالت روحی است که در شخص یقین کننده پیدا می شود و در نزد دیگران نکته‌ی مورد قبولی ندارد.
- ۳. یقین موضوعی که نسبت به آن دو یقین قبلی، حالت میانی دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- تأکید شهید صدر در بحث یقین استقرایی بر همین نقطه‌ی وجدانی است که به آن اشاره شد. یقین حاصل از مشاهدات متکرر، اولاً یقین است و ظن نیست، ثانیاً با یقین آدم و سواسی که تردیدی هم به خود راه نمی‌دهد، فرق می‌کند. یقین آدم و سواسی کاملاً وابسته به حالت روحی و روانی او است؛ در حالی که این یقین ریشه در واقعیت دارد. ریشه‌اش همان مشاهدات مکرر است که به توضیح آن خواهیم پرداخت.